

الگوی کاربرد مولفه‌های اخلاق محور در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی (مورد مطالعه: دوره متوسطه اول آموزش و پرورش استان گلستان)

سعید سعیدی^۱، نگین جبّاری^{۲*}، کامبیز اسماعیل نیا^۳

چکیده

برای تربیت نیروهای اخلاقی، باید یک نظام آموزش و تربیت مبتنی بر اخلاق را شکل داد هدف این پژوهش، ارائه مدل کاربردی اخلاق محور در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی می‌باشد. روش این پژوهش مطالعه موردی کیفی است و روش گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه و پرسش‌نامه و روش تحلیل نیز تحلیل مضمون با رویکرد زمینه‌ای است. جامعه آماری در بخش کیفی (مصاحبه) شامل ۱۳ نفر از مدیران سازمانی و مدارس متوسطه اول استان گلستان به صورت مطالعه موردی و در بخش کمی (پرسش‌نامه) تعداد ۳۸۲ دانش‌آموز مقطع متوسطه اول به روش تصادفی طبقه‌ای بودند. تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با کدگذاری باز و محوری با MaxQDA و در بخش کمی از روش رگرسیون و تحلیل مسیر در SPSS و Smart PLS انجام شد. نتایج نشان داد که در ارتباط با مضامین مدل کاربردی اخلاق محور مجموعاً تعداد ۳۹۷ مضمون در قابل ۷ حوزه شامل حوزه شناختی، حوزه عاطفی، حوزه مهارتی و مدیریتی، حوزه برنامه‌ریزی و دانش، حوزه تفکر و توانایی، حوزه فردی و شخصیتی و حوزه نگرش و اعتقادات دینی را نام برد و در قسمت کمی (پرسش‌نامه) باتوجه به مولفه‌های از پیش تعیین شده طبق نظریات علمی مشخص شده تنها ۸ مولفه شامل احترام به دیگران، برتری جویی و رقابت طلبی، رعایت احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، سازگاری اجتماعی، سازگاری فردی، شجاعت اخلاقی، صادق بودن و عدالت و انصاف مورد تایید قرار گرفتند. در یک الگوی کلی می‌توان بیان کرد که باورها و عقاید و اعمال مذهبی افراد و همچنین خانواده‌ی آن‌ها نقش مؤثری در بهزیستی اخلاق کاربردی شان ایفا می‌کند. به‌ویژه افرادی که دارای شغلی حساس و خسته‌کننده و پراسترس هستند و همین مسئله می‌تواند تأثیر به سزایی در کاهش اخلاق کاربردی داشته باشد.

کلید واژه‌ها: اخلاق، تربیت، مدل اخلاق محور، تربیت رسمی و عمومی، دوره متوسطه، استان گلستان

^۱ دانشجوی دکتری گروه مدیریت آموزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

^۲ دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

^۳ استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

* نویسنده مسئول مقاله: njaba@gorganiau.ac.ir

مقدمه

اخلاق یکی از شایستگی‌های پایه در «جدول اهداف تفصیلی»، و اخلاق یکی از شایستگی‌های محوری اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی نظام تعلیم و تربیت است که در این اسناد تأکیدی ویژه بر تربیت دانش‌آموزان با این دو ویژگی شده است. بر این اساس، لازم است متناسب با این هدف تغییر مطلوبی در هدف‌ها، رویکردها، نگرش‌ها و راهکارهای نظام تعلیم و تربیت کشور انجام پذیرد. تربیت اخلاقی یکی از موضوع‌های کلیدی در بحث تربیت رسمی و عمومی بشمار می‌آید که بخش‌های گوناگون در دل جامعه درصدد تحقق آن هستند (Tan et al, 2017; Arthur et al, 2017). مباحث اخلاقی و تربیتی بیش‌تر در دوران کودکی همان زمانی که شخصیت انسان‌ها تحت تأثیر عوامل محیطی و ژنتیکی شکل می‌گیرد، قابل آموزش و یادگیری است، بنابراین، می‌توان بیان داشت برای تربیت نیروهای اخلاقی، باید یک نظام آموزش و تربیت مبتنی بر اخلاق را شکل داد (Celement and Bollinger, 2016; Jainz, 2017). لازم به ذکر است که درک ضرورت و ارزش پرورش نیروی اخلاق محور در جهان مدرن امروزی، در کنار امکان بهبود جایگاه شخصی فرد در جامعه، بهبود عملکرد و ارتقا سطح کیفی بهره‌وری در جامعه را مهیا می‌نماید که باعث شده است سرمایه‌گذاری در حوزه تربیت نیروهای اخلاق محور به عنوان یک موضوع کلیدی در نظام‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد (Shamly et al, 2014). اهمیت تربیت نیروهای اخلاق محور را باید در زمینه‌های گوناگون در محیط آموزشی جست و جو کرد، از جمله بهبود روابط در بین دانش‌آموزان، بهبود سطح کیفی آموزش، افزایش رفتارهای مثبت در محیط آموزشی موضوع‌های است که می‌تواند از راه اجرایی کردن یک سیستم آموزشی اخلاق محور به صورت عملی در محیط مدارس دنبال کرد (Nikhoomanesh et al, 2021). اخلاق تربیتی مهم‌ترین جزء از اخلاق کاربردی است که مباحث اخلاقی خاص در یک منطقه می‌پردازد و باید‌ها و نبایدهای ارزشی-فلسفی و ملاک و معیار سنجش درستی و نادرستی رفتار شخص نسبت به خود، دیگران و جامعه و همچنین، مسئولیت تعهدی که شخص در منطقه خود نسبت به دیگران و جامعه دارد می‌باشد و الگویی است که بنا به عرف یا قانون در آن جامعه پذیرفته شده و محدود به آن جامعه است. با تشکیل شدن دولت‌های نوین و مدرن، در راستای ترویج مباحث اخلاقی، نظام آموزش و پرورش به عنوان یکی از بخش‌های مهم در این رابطه برگزیده شده است (Asif et al, 2020).

در این بخش سعی شده است به برخی مطالعات انجام شده در این زمینه نظیر مطالعات Rashidi et al (2022) اشاره کرد که در پژوهشی با عنوان تدوین الگوی مشارکت دستگاهها و نهادها با نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی (مطالعه‌ای به روش فراترکیب) بیان کردند که نتایج تجزیه و تحلیل پس از بررسی مقولات اولیه و ثانویه ۹ شیوه کلی مشارکت در آموزش و پرورش شامل مشارکت در توسعه تکنولوژی، مشارکت پژوهش و توسعه، مشارکت در منابع انسانی، مشارکت در ارزشیابی،

مشارکت در پیاده‌سازی، مشارکت در برنامه‌ریزی، مشارکت در پاسخگویی، مشارکت مالی، و مشارکت اطلاعاتی بود که به لحاظ ارتبا با این پژوهش و تعریف شدن مولفه مشارکت در حوزه تعلیم و تربیت با این پژوهش مرتبط است و برای ارزیابی نتایج حاصله در حوزه نظام تعلیم و تربیت رسمی می‌تواند کاربرد داشته باشد. Nikhoomanesh et al (2021) در پژوهشی با تبیین روش آموزش اخلاقی کودک در هفت سال دوم بر اساس تعالیم اسلامی هفت روش دعا، سلام دادن، دعوت عملی، عمل به وعده، ملاطفت، اهمیت دادن به نماز و هم نشینی با صالحان که از روش‌های اسلامی است را معرفی کردند. هم‌چنین، Akrami et al (2021) در بررسی وضعیت کنونی تربیت دینی و اخلاقی دانش‌آموزان بر اساس شاخص‌های سند تحول بیان کردند که دانش‌آموزان از هر سه نوع تربیت در هر چهار حیطه شناخت، گرایش، اراده و عمل، نمره تربیت اعتقادی (۱۶،۸-۱۶)، عبادی (۱۶،۶-۱۷) و اخلاقی (۱۵،۷-۱۶) را در بازه صفر تا بیست کسب کردند. بین تربیت دینی و اخلاقی دختران و پسران هم تفاوت معناداری وجود ندارد.

در مطالعه‌ای دیگر نیز Heidarizadeh et al (2020) با بررسی ابعاد و مولفه‌های تربیت اخلاقی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی ایران ابعاد و مولفه‌های الگوی تربیت اخلاقی در قالب چهار عنصر عوامل مؤثر، زمینه ساز، بازدارنده و پیامدها تنظیم کردند. در مطالعات خارجی نیز Febriani et al (2023) در پژوهشی با عنوان تربیت اخلاقی دانش‌آموزان به عنوان «نیروی اخلاقی» در زندگی اجتماعی بیان کردند که جایی که هدف از این فعالیت‌ها این است که دانش‌آموزان باید با توجه به سطح فکری خود بهترین الگوی اخلاقی را ارائه دهند تا افرادی که دنبال می‌کنند نیز بتوانند انسان‌های اخلاقی شوند. در ادامه نیز Lapsley et al (2023) در پژوهشی با عنوان شناخت اخلاقی در نوجوانی و بزرگسالی در حال ظهور سعی در ارائه قضاوت‌های اخلاقی در زمینه‌های اجتماعی همسالان و درون گروهی داشتند و در نهایت، Pirbhai-Jetha & Ramsamy (2023) در پژوهشی با عنوان «تربیت اخلاقی» مهارت‌ها و شایستگی‌های تربیتی در دانشگاه ماسکاریجنس (موریس) بیان کردند که الگوهای اخلاقی در محیط‌های کلاس، تعامل بین مدرسین و فراگیران «نسل خالص» را برقرار می‌کند.

در ادبیات نظری و پیشینه بررسی شده، این موضوع مطرح شده که نظام آموزشی نباید آموزش اخلاق را در قالب برنامه‌های درسی از پیش تدوین شده، آماده و آن را به صورت مستقیم به دانش‌آموزان آموزش دهد، زیرا ارزیابی رفتارها و ارزش‌های اخلاقی از این راه نشان داده شده است که اخلاق آموزش داده شده دارای کاربردهای بالایی در جامعه نیست به همین منظور است که سعی شده است که در کلیه ساعات با ترکیب آموزش‌های اخلاقی با سایر علوم، زمینه برای پررنگ‌تر شدن اخلاق در بخش‌های گوناگون مهیا شود. بر همین اساس می‌توان گفت پژوهش پیرامون بهره‌گیری از دیدگاه‌های گوناگون در راستای تعلیم و تربیت و مباحث اخلاق کاربردی و هم‌چنین، دستیابی به

جامعه اخلاق محور می‌تواند متمرکز واقع شود و این دقیقاً همان چیزی است که در پیشینه پژوهش مورد غفلت واقع شده است و فقط به مباحث نظری آن پرداخته شده است و از جنبه کاربردی و تخصصی اخلاق کاربردی در قلمرو تعلیم و تربیت غفلت شده است. در نهایت اینکه جستجو در پژوهش‌های انجام شده نشان داد که فلسفه اخلاق و آموزش دارای نکاتی مهم برای بحث اخلاق و رابطه آن با مباحث تربیتی در آموزش دارد که در راستای نهادینه کردن اخلاق تربیتی می‌تواند یاری رسان باشد. اما نسبت به عملیاتی کردن نظریات گوناگون پیرامون اخلاق و به ویژه اخلاق کاربردی و ارتباط آن با بحث تعلیم و تربیت تا کنون پژوهشی صورت نگرفته بود. نتایج پژوهش‌ها نشان داد که بعد تربیت اخلاقی در ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی مهجور مانده است و این مهجوریت تا اندازه‌ای بوده است که عده‌ای حکم بر مغفول بودن برنامه درسی تربیت اخلاقی در سطح برنامه‌های درسی داده‌اند و هم اشراک این ساحت تربیتی در سایر ساحت‌های تربیتی بر اساس رویکرد تلفیقی مورد تأکید در دوره ابتدایی به دلیل مشخص نبودن رویه عملی آن کارنامه موفق را برجای نگذاشته است (Ram et al, 2017) و از سوی دیگر، تاکنون برنامه درسی تربیت اخلاقی برای دوره‌های آموزش عمومی طراحی و تدوین نشده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین خصلت حیطه تربیت اخلاقی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خصلت گریز از برنامه‌ریزی است. از این رو، برای پر کردن این خلأ پژوهشی و کم رنگ کردن این خصلت منفی در برنامه درسی تربیت اخلاقی این پژوهش می‌تواند در توسعه و پیشبرد برنامه درسی تربیت اخلاقی، بویژه در مقطع متوسطه نظام آموزشی استان گلستان نقش مهمی داشته باشد. بنابراین، هدف کلی این پژوهش مطالعه، کاوش و کشف عناصر اصلی برنامه اخلاق در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در دوره متوسطه اول به منظور طراحی و ارائه مدل کاربردی اخلاق محور در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دوره متوسطه آموزش و پرورش استان گلستان است که با شناسایی ابعاد و سنجه‌های مدل کاربردی اخلاق محور به ارائه یک مدل کاربردی اخلاق محور در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی ختم خواهد شد. از این رو، سؤال اصلی پژوهش مدل کاربردی اخلاق محور در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی به چه صورت است؟

روش پژوهش

در این پژوهش جهت ارائه و اعتبارسنجی مدل کاربردی اخلاق محور در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در دوره متوسطه آموزش و پرورش استان گلستان از رویکرد کیفی روش این پژوهش مطالعه موردی کیفی است و روش گردآوری اطلاعات از راه مصاحبه و پرسش‌نامه و روش تحلیل نیز تحلیل مضمون با رویکرد زمینه‌ای است (Glaser, 2012). سعی شده است که افزون بر نقش اساسی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در جهت دهی تربیت اخلاقی، الگوی اخلاقی نیز به شکل مؤثر و هماهنگ

در فعالیت‌های این نظام وجود داشته باشد. هدف اصلی این پژوهش ارائه مدل کاربردی اخلاق محور در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی می‌باشد.

برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق متون استفاده شده است. این تحلیل بر اساس روش داده بنیاد انجام شد و ارائه و اعتبارسنجی مدل کاربردی اخلاق محور در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت پذیرفت. در کدگذاری باز، داده‌ها خرد و ریز می‌شوند و این امر به محقق اجازه می‌دهد تا مقولات را شناسایی کند. در کدگذاری محوری همان داده‌ها مجدداً با ایجاد روابط بین مقولات به‌نوعی جدید به یکدیگر مرتبط می‌شوند. در کدگذاری محوری پژوهشگر یکی از مقوله‌های کدگذاری باز را به‌عنوان مقوله یا پدیده اساسی و اصلی یا هسته مرکزی فرایند مطالعه انتخاب و آن را در مرکز فرایند مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس سایر مقوله‌ها را به آن مرتبط می‌کند. برخی بر این باورند که در صورتی که هیچ‌یک از مقوله‌های ما به نظر محوری نیامد یعنی اینکه انتزاعی‌تر از سایر مقوله‌ها نبود آنگاه برای پدیده اصلی نامی را متناسب با موضوع پژوهش انتخاب کرده و آن را مقوله محوری قرار می‌دهیم. در این گام مصاحبه با مدیران آموزش و پرورش و مدارس استان گلستان انجام شد که خروجی آن جمع‌آوری داده‌های کیفی جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و شناسایی و اعتبارسنجی مدل کاربردی اخلاق محور در نظام تربیتی بود. بر این اساس، با ۱۳ مدیر با معیار دارا بودن سابقه مدیریت در حوزه سازمانی در آموزش و پرورش و مدارس متوسطه اول استان گلستان مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شود که نتایج آن به شرح زیر است. جامعه آماری در بخش کمی شامل دانش‌آموزان مدارس دوره متوسطه اول در استان گلستان به تعداد ۹۱۷۸۲ نفر بود که براساس فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۳ نفر برآورد شد و روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای بود که تقسیم بندی نمونه‌ها به شکل جدول زیر بود:

جدول ۱. حجم نمونه پژوهش

ردیف	نام شهرستان	درصد حجم از جامعه	تعداد دانش‌آموزان نمونه
۱	گرگان	۲۲/۹ درصد	۵۹ نفر
۲	گنبد کاووس	۲۰/۵ درصد	۴۶ نفر
۳	کردکوی	۳/۲ درصد	۲۵ نفر
۴	بندرگز	۱/۹ درصد	۱۹ نفر
۵	علی آباد کتول	۷/۳ درصد	۴۱ نفر
۶	رامیان	۴/۴ درصد	۲۶ نفر
۷	آزادشهر	۴/۹ درصد	۲۹ نفر
۸	مینودشت	۳/۹ درصد	۳۰ نفر

۹	کلاله	۷/۳ درصد	۲۶ نفر
۱۰	بندر ترکمن	۴/۷ درصد	۲۳ نفر
۱۱	آق قلا	۸/۱ درصد	۲۰ نفر
۱۲	گالیکش	۳/۴ درصد	۱۶ نفر
۱۳	گمیشان	۴/۳ درصد	۱۲ نفر
۱۴	مراوه تپه	۳/۲ درصد	۱۰ نفر
	کل	۱۰۰ درصد	۳۸۲ نفر

تحلیل داده‌های کیفی پژوهش از روش تحلیل مضمون^۱ در نرم افزار MAXQDA انجام شده است. در این طرح مراحل تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده از روش شناسه‌گذاری باز^۲ و شناسه‌گذاری محوری^۳ انجام شده است. با توجه به اینکه در این پژوهش شناسایی ابعاد اصلی و مؤلفه‌های مرتبط موردنظر بود، در مرحله شناسه‌گذاری باز مفاهیم شناسایی و برحسب ویژگی‌هایشان بسط داده شده است. در بخش کمی با توجه به پرسش‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در روش استنباطی، از آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف، نرم‌افزار «SPSS»، تحلیل عاملی تأییدی و میانگین واریانس از Smart PLS استفاده شد. در تکنیک حداقل مجزورات جزیی از شاخص اندازه اثر F^2 ، ضریب تعیین R^2 ، شاخص Q^2 و آماره GOF استفاده شد.

یافته‌ها

مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی شامل مدیران سازمانی و مدارس و هم‌چنین، برخی معلمان فعال در حوزه آموزش و پرورش و معاونان استان گلستان می‌باشد که با تعداد ۱۳ نفر به اشباع رسید. برای تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل مضمون استفاده شد. در این طرح مراحل تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده از روش کدگذاری باز و محوری انجام شد. با توجه به اینکه در این پژوهش شناسایی ابعاد اصلی و مؤلفه‌ها مرتبط بود بنابراین، ابعاد اصلی و مؤلفه‌ها بر اساس فرآیند کدگذاری باز و محوری داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی به دست آمد و اولویت هریک از آن‌ها بر اساس فراوانی مضامین ذکر شده در مصاحبه‌ها مشخص شد. ابزار تحلیل داده‌ها نرم‌افزار «مکس کیودا» نسخه ۲۰۲۰ بود. کد مربوط به هر گروه معلمان و مدیران به تفکیک مشخص شد.

- 1- Thematic Analysis
- 2- Open Coding
- 3- Axial Coding

جدول ۱. کد اختصاص یافته به حوزه مصاحبه در روش کدگذاری

کد اصلی	مضامین سازمان دهنده (زیرکد)	تعداد مضامین استخراجی هر مؤلفه	تعداد کل مضامین استخراجی
۳-۱-۱	حوزه شناختی (۰۱۱)	۲۹	۲۰۷
۳-۱-۲	حوزه مهارتی و مدیریتی (۰۱۲)	۷۲	
۳-۱-۳	حوزه تفکر و توانایی (۰۱۳)	۱۶	
۳-۱-۴	حوزه نگرش و اعتقادات دینی (۰۱۴)	۲۲	
۳-۱-۵	حوزه ویژگی‌های فردی (۰۱۵)	۲۹	
۳-۱-۶	حوزه عاطفی (۰۱۶)	۱۹	
۳-۱-۷	حوزه برنامه ریزی و دانش (۰۱۷)	۲۰	

فرایند مرحله کدگذاری باز یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در قالب ۲۰۷ مضمون برای ۱۳ مصاحبه صورت گرفته مدیران در ۷ حوزه سازمان دهنده دسته‌بندی شدند که تعداد مضمون‌های استخراج شده از هر مصاحبه شونده به تفکیک در جدول (۱) آمده است. در ارتباط با تحلیل مقوله های مربوط به عوامل و مضامین مدل کاربردی اخلاق محور می‌توان بیان کرد که این مقوله از ۲۰۷ مضمون تشکیل شده که در قالب ۷ حوزه کاربردی به شکل مضامین سازمان دهنده قرار گرفتند. در ارتباط با مضامین مدل کاربردی اخلاق محور از دیدگاه مدیران می‌توان مضامین گوناگونی نظیر حوزه شناختی، حوزه عاطفی، حوزه مهارتی و مدیریتی، حوزه برنامه ریزی و دانش، حوزه تفکر و توانایی، حوزه فردی و شخصیتی و حوزه نگرش و اعتقادات دینی را نام برد که هرکدام در برگرفته مفاهیمی می‌باشند که به تفکیک در ستون مربوط به مفاهیم بیان شده است. در جدول زیر توزیع فراوانی مؤلفه‌ها با توجه به مصاحبه‌ها مشخص شده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی ابعاد و مولفه‌های مدل کاربردی اخلاق محور از دیدگاه مدیران

مضامین سازمان دهنده	تعداد مصاحبه‌ها	درصد فراوانی
حوزه مهارتی و مدیریتی	۱۲	۸۵/۷۱
حوزه ویژگی‌های فردی و شخصیتی	۱۱	۷۸/۵۷
حوزه برنامه ریزی و دانش	۱۰	۷۱/۴۳
حوزه شناختی	۱۰	۷۱/۴۳
حوزه عاطفی	۹	۶۴/۲۹
حوزه نگرش و اعتقادات دینی	۹	۶۴/۲۹
حوزه تفکر و توانایی	۶	۴۲/۸۶

با توجه به جدول ذکرشده مشاهده می‌شود که در ارتباط با ابعاد و مولفه‌های مدل کاربردی اخلاق محور از دیدگاه مدیران در ۱۳ مصاحبه انجام‌شده، مضامین حوزه مهارتی و مدیریتی بیش‌تر موردتوجه قرار گرفته است و پس از آن به ترتیب حوزه ویژگی‌های فردی و شخصیتی (۷۸/۵۷ درصد)، حوزه برنامه‌ریزی و دانش (۷۱/۴۳ درصد)، حوزه شناختی (۷۱/۴۳ درصد)، حوزه عاطفی (۶۴/۲۹ درصد)، حوزه نگرش و اعتقادات دینی (۶۴/۲۹ درصد) و حوزه تفکر و توانایی (۴۲/۸۶ درصد) که در ادامه هر کدام از این حوزه‌ها به تفکیک به زیر حوزه‌های خود تقسیم می‌شود. در ادامه در جدول زیر فراوانی مضامین مربوط به حوزه‌های مورد بررسی به ترتیب فراوانی مضامین مدل کاربردی اخلاق محور از دیدگاه مدیران ارائه شده است.

در ارتباط با تحلیل مقوله‌های مربوط به سنجه‌های کاربردی اخلاق محور در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی مربوط به استان گلستان به جهت بکارگیری مسائل و مولفه‌های اخلاقی می‌توان بیان کرد که این مقوله از ۴۱ مضمون تشکیل شده که با حذف مضامین تکراری ۲۸ مضمون ذکر شده در جدول (۵) شکل دهنده این مفاهیم هستند که در قالب ۸ مولفه به شکل مقوله‌های فرعی قرار گرفتند.

جدول ۳. مضمون‌های برگرفته از سوال اول مصاحبه

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	مضمون (مفهوم)
سیستم تعلیم و تربیت در نظام آموزشی اخلاقی کاربردی سنجه‌های	برنامه ریزی	برنامه ریزی کوتاه مدت، بلندمدت، برنامه درسی رسمی و غیررسمی، برنامه درسی پنهان
	تعیین اهداف	اهداف فرعی، اهداف اصلی، تسلیط بر شیوه تربیتی
	دستیابی به اخلاق	دستیابی به اخلاق فردی، دستیابی به اخلاق اجتماعی، دستیابی به اخلاق زیست محیطی
	شیوه تربیت	شیوه حب عبودی، شیوه موعظه و نصیحت، الگوسازی دینی، داستان و امثال، پرسش و پاسخ، شیوه تشویق و تنبیه
	امر به معروف و نهی از منکر	بهره‌گیری از آموزه های قران، دعوت به نیکی، پرهیز از اشتباهات
	ایجاد انگیزه	مواجه شدن با نتایج اعمال، ایجاد انگیزه، تفکر و مطالعه
	تعاملات	تعاملات شخصی بین معلمان و دانش‌آموزانشان
	مسئولیت‌پذیری	مسئولیت دینی، مسئولیت فردی، مسئولیت اجتماعی، عمل گرای،

باتوجه به جدول مضمون‌ها (۳) مشاهده می‌شود که در ارتباط با اقدامات استان گلستان به جهت بکارگیری مسائل و مولفه‌های اخلاقی موارد گوناگونی نظیر برنامه ریزی، تعیین اهداف، دستیابی به اخلاق، شیوه تربیت، امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد انگیزه، تعاملات و مسئولیت‌پذیری معرفی

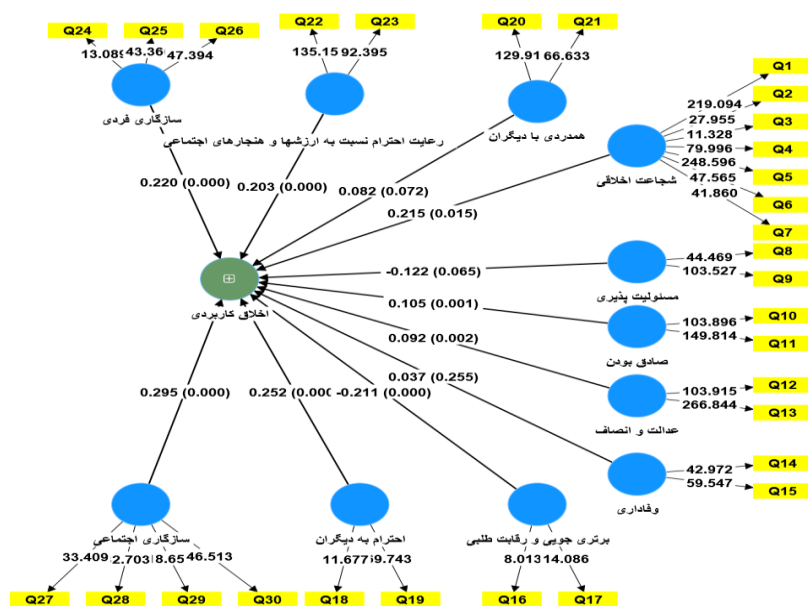
شده است که هر کدام در برگیرنده مفاهیمی می‌باشند که به تفکیک در ستون مربوط به مفاهیم بیان شده است. در ارتباط با بحث معادلات ساختاری و تحلیل مسیر به جهت ارزیابی نتایج کمی کار ابتدا به ارزیابی روایی و پایایی پرسش‌نامه طراحی شده پرداخته شد. برای محاسبه شاخص روایی محتوایی و با شاخص کرو از نظرات کارشناسان متخصص در زمینه محتوای آزمون مورد نظر استفاده می‌شود، روایی محتوایی پرسش‌نامه محاسبه شد. پرسش‌نامه برای چند نفر از متخصصان ارسال شد و پاسخ‌های آن‌ها جمع‌آوری گردید و ضرایب پایایی پرسش‌نامه به شرح زیر بود.

جدول ۴. ضرایب اعتبار، پایایی ترکیبی و متوسط واریانس استخراج شده مربوط به هریک از مؤلفه‌ها

$$n=(382)$$

متغیر	تعداد گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	ضریب پایایی همگون (rho)	متوسط واریانس استخراج شده
احترام به دیگران	۲	۹۳/۶۷	۱۱/۷۸	۰/۷۳۹	۰/۷۹۶	۰/۷۰۸	۰/۶۶۷
برتری جویی و رقابت طلبی رعایت احترام	۲	۱۰۳/۹	۲۱/۵۷	۰/۸۰۱	۰/۹۰۶	۰/۸۸۲	۰/۸۲۹
ارزشها و هنجارهای اجتماعی	۲	۸۸/۷	۱۶/۴۱	۰/۹۰۹	۰/۹۵۶	۰/۹۱۷	۰/۹۱۶
سازگاری اجتماعی	۴	۸۷/۲۱	۲۲/۰۳	۰/۸۱۲	۰/۸۷۵	۰/۸۲۵	۰/۶۳۶
سازگاری فردی	۳	۹۰/۴۳	۱۹/۳۳	۰/۷۱۶	۰/۸۳۳	۰/۷۸۱	۰/۶۲۷
شجاعت اخلاقی	۷	۹۴/۳۲	۱۴/۹۸	۰/۹۵۱	۰/۹۶۲	۰/۹۷۳	۰/۷۸۶
صادق بودن	۲	۱۳۱/۷۰	۲۵/۶۲	۰/۹۲۷	۰/۹۶۵	۰/۹۳۳	۰/۹۳۲
عدالت و انصاف	۲	۸۶/۱۹	۱۵/۹۴	۰/۹۹۰	۰/۹۹۵	۱/۰۰۷	۰/۹۹۰
مسئولیت پذیری	۲	۹۴/۵۹	۱۶/۸۵	۰/۸۸۰	۰/۹۴۳	۰/۹۲۱	۰/۸۹۲
همدردی با دیگران	۲	۱۰۹/۰۳	۲۲/۵۶	۰/۹۰۸	۰/۹۵۶	۰/۹۱۹	۰/۹۱۶
وفاداری	۲	۱۲۹/۰۳	۱۹/۹۶	۰/۹۳۹	۰/۹۷۰	۰/۹۴۶	۰/۹۴۲

پایایی ترکیبی یا روایی همگرا زمانی وجود دارد که پایایی ترکیبی از $0/7$ بزرگ‌تر باشد. همچنین، پایایی ترکیبی باید از میانگین واریانس استخراج شده بزرگ‌تر باشد. در این صورت هر شرط روایی همگرا وجود خواهد داشت. پایایی ترکیبی با استفاده از فرمولی که توسط یورسکاگ ارائه شده نیز قابل محاسبه است. ضریب پایایی همگون (ρ) نیز برای سنجش پایایی درونی سازه‌ها است. همچنان‌که چین (۱۹۹۸) معتقد است ضریب ρ نسبت به آلفای کرونباخ از اطمینان بیشتری برخوردار است. به ضریب ρ گاهی ضریب دایلون-گولداشتین^۱ نیز گفته می‌شود. مقدار این ضریب باید بیش از $0/7$ باشد. مقادیر آلفای کرونباخ نیز باید بیش از $0/7$ و مقادیر میانگین واریانس استخراج شده باید بیش از $0/5$ باشد تا مورد تأیید قرار گیرد. همانطور که نتایج جدول (۴-۳۰) نشان می‌دهند آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی هر یک از مؤلفه‌های مورد بررسی بالاتر از $0/70$ ، و متوسط واریانس استخراج شده هر یک از مؤلفه‌ها بالاتر از $0/60$ است که این نتایج حاکی از اعتبار درونی پرسش‌نامه است. همسانی درونی کل پرسش‌نامه با آلفای کرونباخ نیز $0/91$ محاسبه شد. به جهت بررسی نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری طراحی شده نیز از برخی شاخص‌های تحلیل مسیر استفاده شد. در این قسمت نتایج نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری مربوط به هریک از مؤلفه‌های پرسش‌نامه شایستگی‌های معلمان ارائه شده است.



نمودار ۱. ضرایب مؤلفه‌های تشکیل دهنده مدل اخلاق کاربردی در حالت ضرایب رگرسیونی و سطح معنی‌داری

شکل بالا نشان داده است که باتوجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۵ می‌توان بیان کرد که تنها مولفه‌های سازگاری فردی (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب رگرسیونی ۰/۲۲۰)، سازگاری فردی (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب رگرسیونی ۰/۲۲۰)، رعایت احترام نسبت به ارزشها و هنجارهای اجتماعی (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب رگرسیونی ۰/۲۰۳)، شجاعت اخلاقی (سطح معنی‌داری ۰/۰۱۵ و ضریب رگرسیونی ۰/۲۱۵)، صادق بودن (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ و ضریب رگرسیونی ۰/۱۰۵)، عدالت و انصاف (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۲ و ضریب رگرسیونی ۰/۰۹۲)، احترام به دیگران (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب رگرسیونی ۰/۲۵۲)، سازگاری اجتماعی (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب رگرسیونی ۰/۲۹۵) باتوجه به سطح معنی‌داری کم‌تر از ۰/۰۵ دارای تاثیر بر مدل اخلاق کاربردی می‌باشند و باتوجه به علامت مثبت ضریب رگرسیونی این اثربخشی مثبت می‌باشد. میزان اثربخشی مولفه برتری جویی و رقابت طلبی بر مدل اخلاق کاربردی نیز باتوجه به سطح معنی‌داری به دست آمده (۰/۰۰۰) معنی‌دار بوده اما باتوجه به علامت منفی ضریب رگرسیونی این اثربخشی به صورت معکوس و منفی می‌باشد. هم‌چنین، قابل ذکر است که مولفه‌های وفاداری، مسئولیت‌پذیری و همدردی با دیگران به دلیل سطح معنی‌داری بیش از ۰/۰۵ معنی‌دار نبودند. در ادامه به جهت برازش مدل یاد شده ضرایب نکوپی برازش مدل ذکر شده است.

جدول ۵. نتایج نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری مربوط به هریک از مؤلفه‌ها (۳۸۲) n

مولفه‌ها	آماره t	F^2	Q^2	R^2	R^2 تعدیل شده
احترام به دیگران	۳/۷۸۵	۰/۰۸۷	۰/۵۰		
برتری جویی و رقابت طلبی	۴/۵۷۲	۰/۰۵۴	۰/۷۶		
رعایت احترام ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی	۶/۰۸۴	۰/۱۱۳	۰/۳۸		
سازگاری اجتماعی	۴/۵۳۳	۰/۰۸۶	۰/۱۵		
سازگاری فردی	۴/۰۱۴	۰/۰۶۰	۰/۶۶	۰/۷۶۰	۰/۷۵۳
شجاعت اخلاقی	۲/۴۴۳	۰/۰۱۶	۰/۲۷		
صادق بودن	۳/۲۰۵	۰/۰۲۲	۰/۰۵		
عدالت و انصاف	۳/۰۸۱	۰/۰۲۶	۰/۷۹		
مسئولیت‌پذیری	۱/۸۴۷	۰/۰۱۱	۰/۹۱		
همدردی با دیگران	۱/۷۹۷		۰/۰۰۷	۰/۱۸	
وفاداری	۱/۱۳۸		۰/۰۰۴	۰/۷۴	

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود مقادیر آماره تی برای تمامی مولفه‌ها به جز مسئولیت پذیری، همدردی با دیگران و وفاداری از مقدار ۱/۹۶ بزرگ‌تر است و در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است و با توجه به مقادیر R^2 قابل ذکر است که در بین مولفه‌ها میزان کل اثربخشی این مولفه‌ها بر اخلاق کاربردی برابر با ۷۵/۳ درصد است. هم‌چنین، مقدار آماره Q^2 (استون-گیسر^۱) قدرت پیش‌بینی مدل در سازه‌های درون‌زا را مشخص می‌کند. مدل‌هایی که دارای برازش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی متغیرهای درون‌زای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به‌درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها تأثیر کافی بر یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به‌درستی تأیید شوند. نتایج این آزمون در جدول (۹) نشان داده شده است. Hensler et al (2009) سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به‌عنوان مقادیر قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی تعیین کرده‌اند. این مقدار برای تمامی متغیرها دارای قدرت پیش‌بینی متوسط تا قوی بود که متوسط و قوی بودن این مقادیر نشان‌دهنده تناسب پیش‌بینی برای این سازه‌ها است (بارت^۲، ۲۰۰۷).

جدول ۶. معیارهای نیکویی برازش مدل پژوهش

متغیرها	محدوده قابل قبول	مقدار مشاهده شده	نتیجه
SRMR ^۳	کم‌تر از ۰/۰۸ (Hu & Bentler, 1999)	۰/۰۱۵	برازش مناسب
d-ULS	کم‌تر از ۰/۹۵ (Henseler et al, 2015)	۰/۵۰۸	برازش مناسب
d-G1	کم‌تر از ۰/۹۵ (Henseler et al, 2015)	۰/۲۹۶	برازش مناسب
d-G2	کم‌تر از ۰/۹۵ (Henseler et al, 2015)	۰/۲۸۹	برازش مناسب
Chi-square	بیش‌تر از ۱/۹۶ (Hu & Bentler, 1999)	۸۶۵۹/۶۵۴	برازش مناسب
NFI ^۴	بیش‌تر از ۰/۲۵ (Bonett & Bentler, 1999)	۰/۳۴	برازش مناسب

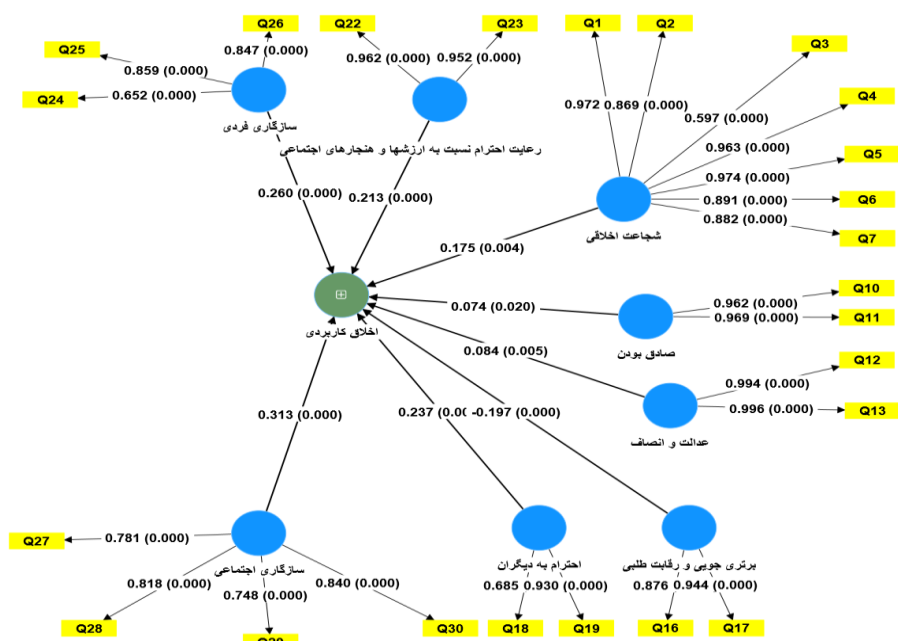
جدول بالا شاخص‌های برازش مدل پژوهش را نشان می‌دهند. با توجه به مقادیر به دست آمده، داده‌های جمع‌آوری شده برای اندازه‌گیری متغیرهای پنهان از کفایت و برازش لازم برخوردارند و در نتیجه، نتایج برآورد مدل پژوهش، قابل اتکا و مورد اعتماد است و بعد از حذف مولفه‌های بی اثر مدل اصلی ارائه شده در حوزه اخلاق کاربردی مستخرج از پرسش‌نامه به شرح نمودار زیر می‌باشد.

1 Stone-Geisser

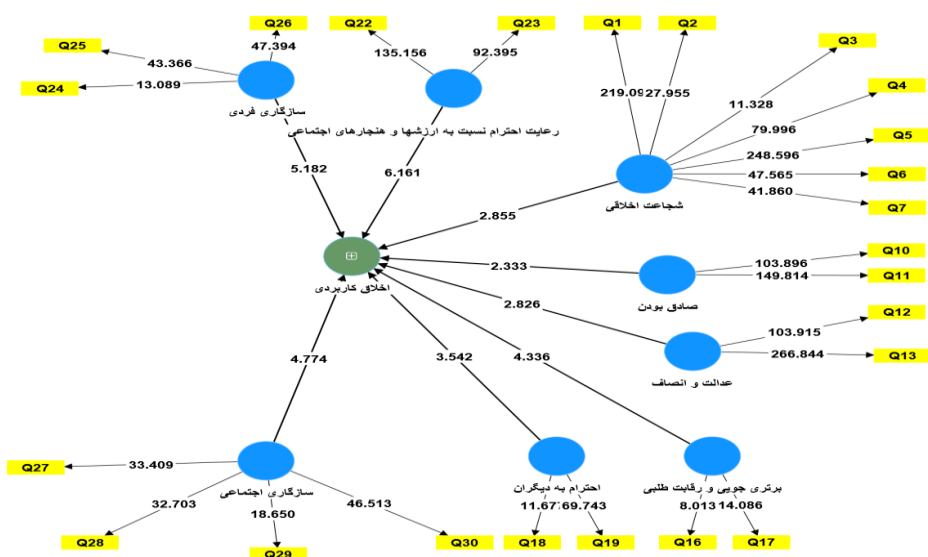
2. Barrett

3 Standardized Root Mean Square Residual

4 Normed Fit Index



نمودار ۲. مقادیر ضرایب رگرسیونی و سطح معنی داری برآزش مدل نهایی



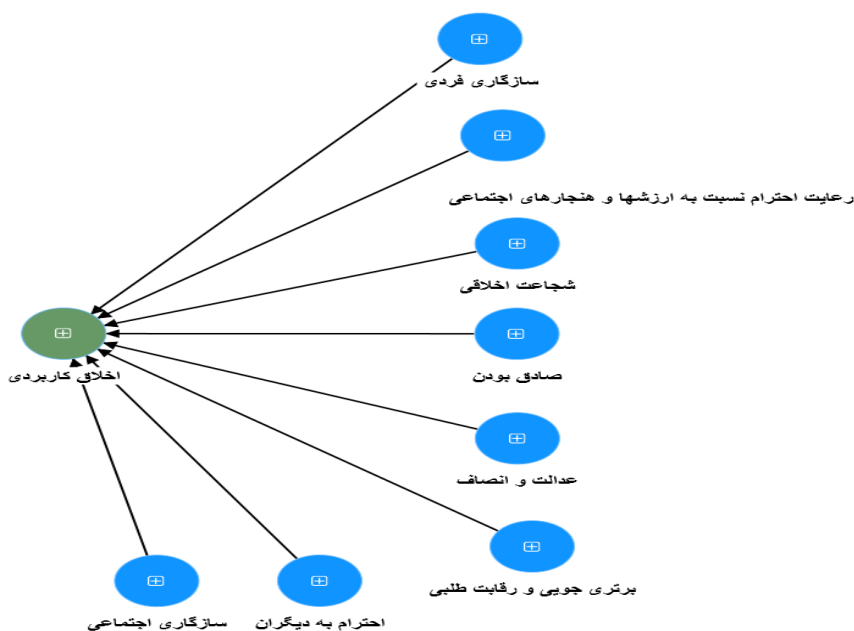
نمودار ۳. مقادیر ضرایب T و سطح معنی داری برازش مدل نهایی

با توجه به مدل برازش داده شده بالا ضریب رگرسیونی استاندارد شده و سطح معنی داری به دست آمده مشخص می شود که تأثیر همه متغیرها از جانب متغیر مستقل بر متغیر وابسته و همچنین متغیرهای میانجی معنی دار است.

جدول ۷. ضرایب رگرسیونی متغیرهای مدل نهایی

شرح	ضریب	آماره تی	سطح معنی داری
احترام به دیگران -> اخلاق کاربردی	۰/۲۳۷	۰/۵۴۲	۰/۰۰۰
برتری جویی و رقابت طلبی -> اخلاق کاربردی	-۰/۱۹۷	۴/۳۳۶	۰/۰۰۰
رعایت احترام نسبت به ارزشها و هنجارهای اجتماعی -> اخلاق کاربردی	۰/۲۱۳	۶/۱۶۱	۰/۰۰۰
سازگاری اجتماعی -> اخلاق کاربردی	۰/۳۱۳	۴/۷۷۴	۰/۰۰۰
سازگاری فردی -> اخلاق کاربردی	۰/۲۶۰	۵/۱۸۲	۰/۰۰۰
شجاعت اخلاقی -> اخلاق کاربردی	۰/۱۷۵	۲/۸۵۵	۰/۰۰۴
صادق بودن -> اخلاق کاربردی	۰/۰۷۴	۲/۳۳۳	۰/۰۲۰
عدالت و انصاف -> اخلاق کاربردی	۰/۰۸۴	۲/۸۲۶	۰/۰۰۵

به بیان دیگر، نتایج آزمون در جدول (۷) نشان داد که مولفه های مستقل مورد بررسی در پرسشنامه رابطه معنی دار با متغیر مدل اخلاق کاربردی (وابسته) دارد. بدین معنی که با بهبود مولفه های بالا در سازمان میزان پیاده سازی مدل اخلاق کاربردی افزایش و بهبود خواهد یافت. پس به عبارتی می توان بیان کرد که مدل نهایی را به شکل زیر تأیید کرد.



نمودار ۴. مقادیر ضرایب T و سطح معنی داری برازش مدل نهایی

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج بخش مصاحبه مشخص شد که در ارتباط با مضامین مدل کاربردی اخلاق محور از دیدگاه مدیران می‌توان مضامین گوناگونی نظیر حوزه شناختی، حوزه عاطفی، حوزه مهارتی و مدیریتی، حوزه برنامه ریزی و دانش، حوزه تفکر و توانایی، حوزه فردی و شخصیتی و حوزه نگرش و اعتقادات دینی را نام برد که هر کدام در برگرفته مفاهیمی می‌باشند که به تفکیک در ستون مربوط به مفاهیم بیان شده است. در جدول زیر توزیع فراوانی مؤلفه‌ها با توجه به مصاحبه‌ها مشخص شده است. که در این مطالعه مجموعاً تعداد ۲۰۷ مضمون در قالب ۷ حوزه بالا معرفی شد و در قسمت کمی (پرسش‌نامه) با توجه به مولفه‌های از پیش تعیین شده طبق نظریات علمی مشخص شده در فایل پرسش‌نامه نیز از بین ۱۱ مولفه مورد بررسی شامل شجاعت اخلاقی، مسئولیت‌پذیری، صادق بودن، عدالت و انصاف، وفاداری، برتری‌جویی و رقابت طلبی، احترام به دیگران، همدردی با دیگران، رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، سازگاری فردی و سازگاری اجتماعی تنها ۸ مولفه شامل احترام به دیگران، برتری‌جویی و رقابت طلبی، رعایت احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، سازگاری اجتماعی، سازگاری فردی، شجاعت اخلاقی، صادق بودن و عدالت و انصاف مورد تایید قرار گرفتند. ابعاد مدل کاربردی اخلاق محور در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه مدیران سازمانی و مدارس تعداد ۲۰۷ مضمون در قالب ۷ حوزه شناسایی شدند که مضامین حوزه مهارتی و مدیریتی بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است و پس از آن به ترتیب حوزه ویژگی‌های فردی و شخصیتی (۷۸/۵۷ درصد)، حوزه برنامه ریزی و دانش (۷۱/۴۳ درصد)، حوزه شناختی (۷۱/۴۳ درصد)، حوزه عاطفی (۶۴/۲۹ درصد)، حوزه نگرش و اعتقادات دینی (۶۴/۲۹ درصد) و حوزه تفکر و توانایی (۴۲/۸۶ درصد) که به صورت جزئی‌تر فراوانی مضامین مربوط به این حوزه‌ها به تفکیک بیان شود که در حوزه مهارتی و مدیریتی مضمون مهارت همکاری، ارتباط و تعامل با مقدار ۶۶/۶۷ درصد دارای بیش‌ترین فراوانی بود و بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته بود و در سایر حوزه‌ها نیز نتایج بدین شکل بود که در حوزه فردی و شخصیتی مضمون رعایت بهداشت فردی و آراستگی ظاهری (۵۴/۵۵ درصد)، در حوزه برنامه‌ریزی و دانش نیز مضمون به روز بودن اطلاعات و روش تدریس (۶۰ درصد)، در حوزه شناختی به طور مساوی مضامین مسلط و آگاه بودن به مسائل اخلاقی و تربیتی، نگاه مثبت به سازمان و حفظ انگیزه و علاقه شغلی، شناخت نسبت به محیط مدرسه، دانش‌آموزان و خانواده و نیازسنجی در دانش‌آموزان و تلاش برای رفع آن هر کدام با فراوانی ۳۰ درصد مضامین این حوزه از بیش‌ترین فراوانی برخوردار بودند. در ارتباط با تحلیل سنجه‌های مدل کاربردی اخلاق محور در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی نیز مشخص شد که این مقوله از ۴۷ مضمون در قالب ۶ مولفه شامل شیوه و روش (۶ مفهوم)، یادگیری و یاددهی

(۵ مفهوم)، ارزیابی برنامه ریزی آموزشی (۸ مفهوم)، اهداف و مهارتها (۱۰ مفهوم)، تناسب محتوا (۱۲ مفهوم) و زمان و مکان آموزش (۶ مفهوم) می‌باشد.

نتایج به دست آمده با نتایج مطالعات (Rashidi et al (2022)، Nikhoomanesh et al (2021)، Gholampour et al (2020)، Rezaei (2020)، Heidarizadeh et al (2021)، Akrami et al (2021)، Febriani et al (2023)، Lapsley et al (2023)، Pirbhai-Jetha & Ramsamy (2023)، Schnellert et al (2023)، Meindl et al (2018)، همخوانی دارد. در تبیین نتایج می‌توان بیان کرد که شناخت ساز و کار تربیتی الگوهای اخلاقی، نقش به سزایی در جهت‌دهی مربی به سوی کمال دارا است. با بررسی در نتایج پژوهش‌های صورت گرفته، از جمله سازوکارهای تربیتی الگوهای اخلاقی عبارت از شناخت مبانی فکری الگوی اخلاقی که شامل بینش او نسبت به توحید، معاد و دنیاشناسی است و به تبع این مبانی، مربی از اصول رفتاری الگو آگاه می‌شود و برایش نمونه‌هایی عینی واجد کشش و جذابیت فراهم می‌شود که این امر در قالب اخلاق روایی بیان شده و سبب ایجاد انگیزه برای تشبه جویی مربی به الگوهای اخلاقی برای نیل به سعادت و کمال می‌شود. نظام تربیت اخلاقی در اسناد آموزشی و پژوهشی دارای چهار مولفه بنیادها، هدف‌ها، اصول و روش هاست. نظام تربیت اخلاقی شامل چهار بنیاد توحید، ضعف آدمی، فطرت و معاد است. هدف غایی تربیت اخلاقی در نامه مذکور تخلق به اخلاق الهی و هدفهای واسطه‌ای برای تحقق آن، شناخت خدا، خودسازی، تقوا، زهد، صبر، التزام به امر الهی و یاد خداوند است. اصول تربیت اخلاقی استنباط شده از نامه مذکور شامل کرامت، تفاوت‌های فردی، اعتدال، تعقل، تفکر و تدبیر، و در نهایت روش های تربیت اخلاقی در نامه یادشده شامل تذکر، موعظه، ارایه الگو، محبت، عبرت آموزی، توبه، و مراقبه و محاسبه هستند. در تبیین این نتایج قابل ذکر است که برای جمع آوری و دسته بندی مفاهیم و مضامین اخلاق کاربردی و اخلاقی نیاز به چهارچوب از پیش تعیین شده داشتیم تا به تدبیر در منابع مرتبط با آن پردازیم آنچه اندیشمندان و پژوهشگران قرآنی پیشنهاد می‌دهند متنوع و گوناگون است، که در این مطالعه شاخص‌های اخلاق کاربردی و اخلاقی، را به سه دسته کلی فردی و اجتماعی و اخلاق زیست محیطی تقسیم کردیم. به بیان دیگر، با تاکید بر مجموعه صفات عالی انسانی، در حقیقت زندگی اخلاقی انسان با مسئولیت‌ها و وظایفی در ارتباط است که فرد در برابر خود، دیگران، یا نظام خلقت دارد. شاخص‌های فردی خود به چهار دسته خودشناسی، کار و تلاش، حفظ جان و سلامت تقسیم می‌شود، که این شاخص‌ها حقی است که در قرآن بر انسان برای خودش تعیین شده است. اخلاق کاربردی درباره مهارت‌ها و توانمندی‌های انسان برای انجام کارهایی که در موقعیت‌های ویژه به آن نیاز است، نقش بسزایی دارد، اخلاق کاربردی تنها زمانی تأثیر می‌گذارد که شخص مهارت‌های لازم برای انجام کاری ویژه را دارا باشد و برای انجام آن کار به اندازه کافی برانگیخته شود، اخلاق کاربردی بر میزان تلاش برای انجام یک وظیفه اثر می‌گذارد. افرادی که به سبک زندگی

اجتماعی باور دارند برای غلبه بر موانع و مشکلات تلاش‌های مضاعفی می‌کنند، امید به زندگی بیش‌تری دارند، رفتارهای سلامت بهتری دارند، از این‌رو اخلاق کاربردی ابزاری ارزشمند برای معلمان و دانش‌آموزان می‌باشد، بنابراین، با توجه به یافته‌های موجود، نتیجه می‌شود، سبک زندگی اجتماعی در بین معلمان و دانش‌آموزان موجب گردیده، میزان اخلاق کاربردی در آن‌ها افزایش یابد، به علت اینکه افراد دارای سبک زندگی اجتماعی، کار خود را در رسیدن به هدف و موفقیت بهتر شناخته و موجب اعتماد به نفس در زندگی و تقویت معنویت در خود می‌شوند.

پیشنهادهای کاربردی پژوهش

۱. براساس یافته‌های تشویق به مباحث اخلاق محور پیشنهاد می‌شود که از تلاش‌های دانش‌آموزان نه در مقایسه با هم بلکه هر فرد نسبت به خودش تقدیر به عمل آید و دانش‌آموزان با توجه به فرآیند انجام دادن امور پژوهش با توجه به معیارهای اخلاق کاربردی به جای تمرکز بر نتایج و برونداد تشویق شود.

۲. براساس یافته‌های پژوهش در زمینه برقراری ارتباطات اخلاقی دانش‌آموزان با منابع علمی پیشنهاد می‌شود که دانش‌آموزان به منابع علمی گوناگون برای دستیابی به پاسخ سؤالات و انجام دادن پژوهش مرتبط با مفاهیم سبک ایرانی و اسلامی دسترسی داشته باشند و دانش‌آموزان با هم‌تایان مدرسه خود و مدارس هم‌جوار برای به اشتراک‌گذاری نتایج حاصل از پژوهش ارتباط برقرار کنند.

۳. براساس یافته‌های محتوای مدل اخلاق کاربردی پیشنهاد می‌شود که محتوا با تجارب زندگی واقعی ایرانی اسلامی مرتبط شود و موضوعات و محتوای دروس با تجارب گذشته در ایران و اسلام تناسب داشته باشد؛ در این راستا فرهنگ حمایت از برنامه‌های درسی اخلاق کاربردی در مدارس نهادینه شود و کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای ارتقای دانش معلمان در زمینه اخلاق کاربردی برگزار شود.

۴. براساس یافته‌های روش ارائه مباحث اخلاقی پیشنهاد می‌شود که از روش‌های مساله محور و ترغیب دانش‌آموزان به مشارکت در مباحث مربوط به اخلاق کاربردی استفاده شود و از الگوهای فعال تدریس و آموزش برای تقویت تفکر انتقادی، خلاقیت، نوآوری، کنکاش و جستجوگری بهره گرفته شود.

محدودیت‌های پژوهش

۱) محدودیت‌های روش‌شناختی: نمونه‌ها و چگونگی انتخاب آنها که بسیار زمان بر بود و اندازه نمونه برای برخی اندازه‌گیری‌ها ناکافی بود.

۲) محدودیت زمانی

۳) دسترسی محدود به افراد مورد مطالعه به جهت مصاحبه و اخذ داده ها

۴) تعارض ناشی از سوگیری فرهنگی و سایر مسائل فردی

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طورکلی این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌ی پذیرش خود قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده مؤلفه‌های اجتماعی و باورها و اخلاق بود؛ بنابراین، کسانی که اجتماعی‌تر هستند و باورهای دینی قوی‌تری دارند و خوش‌اخلاق‌تر هستند، نسبت به شخصیت خود پذیرش بیش‌تری دارند و از اخلاق کاربردی بالاتری برخوردارند. هم‌چنین، مؤلفه تسلط بر اخلاق کاربردی، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده مؤلفه‌های عبادی، خانواده، تفکر و علم و مالی است. به بیان دیگر، توجه به اعمال عبادی و مالی بر اساس سبک زندگی و داشتن خانواده‌ای حمایت‌کننده و توجه به مسئله‌ی تفکر و علم و بها دادن به آن از سوی معلمان، باعث افزایش تسلط آن‌ها بر محیط اطراف‌شان و درنهایت، اخلاق کاربردی بیش‌تر در آن‌ها می‌شود. نتایج پژوهش هم‌چنین، بیان می‌دارد که مؤلفه‌ی رشد شخصی، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده مؤلفه‌ی سلامت سبک زندگی است؛ بنابراین، معلمانی که سلامت جسمی و روحی بیش‌تری دارند، دارای رشد شخصی بیش‌تری نیز می‌باشند. همان‌گونه که ذکر شد، همه مؤلفه‌های سبک زندگی، با مؤلفه‌های اخلاق کاربردی معلمان نقش دارند؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که باورهای دینی به‌عنوان محور سبک زندگی، نقشی مثبت در اخلاق کاربردی دارد. در یک الگوی کلی می‌توان بیان کرد که باورها و عقاید و اعمال مذهبی افراد و هم‌چنین، خانواده آن‌ها نقشی مهم و مؤثر در بهزیستی اخلاق کاربردی‌شان ایفا می‌کند. بویژه افرادی که دارای شغلی حساس و خسته‌کننده و پراسترس هستند و همین مسئله می‌تواند تأثیر به‌سزایی در کاهش اخلاق کاربردی آن‌ها داشته باشد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که برخورداری از سبک زندگی به‌عنوان روش زندگی، می‌تواند نقش کلیدی در اخلاق کاربردی داشته باشد. این قضیه با توجه به گروهی که شرکت‌کنندگان این پژوهش را تشکیل می‌دهد، اهمیتی ویژه می‌یابد. چراکه معلمان و مدیران، با فشارهای روانی متعددی مواجه می‌باشند که حاصل کار دشوار است. با توجه به یافته‌های به دست آمده پیشنهادهای کاربردی زیر به جهت بهبود فرایند اجرای اخلاق کاربردی پیشنهاد می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در این مطالعه فرم‌های رضایت نامه آگاهانه توسط تمامی آزمودنی‌ها تکمیل شد.

حامی مالی

هزینه‌های این مطالعه توسط نویسندگان مقاله تامین شد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

منابع

- Akrami, S.K., Delavar, A., & Temski, M.R. (2021), Investigation of the current state of religious and moral education of students based on the indicators of the document of change. *Biannual scientific journal of educational sciences from the perspective of Islam*, 9(16): 126-150[In Persian].
- Arthur, G., Kristjánsson, K., Harrison, T., Sanderse, W., & Wright, D. (2017), *Teaching Character and Virtue in Schools*. London and New York. Routledge.
- Asif, T., Guangming, O., & Haider, M. A. (2020), Moral Education for Sustainable Development: Comparison of University Teachers' Perceptions in China and Pakistan. *Sustainability*, 2020, 12, 3014.
- Celement, S., & Bollinger, R. (2016), Perspectives on Character Virtue Development. *Research in Human Development*, 13: 174–181.
- Febriani, S., Nevi, F., Emilia, S., Khoerunisa, A., Sari, I. P., & Asbari, M. (2023). Students Moral Education as' Moral Force'in Social Life. *Journal of Information Systems and Management (JISMA)*, 2(1), 8-14.
- Gholampour, M., Pourshafi, H., Farastkhah, M., & Aiti, M. (2021), Explanation of the Ethical Education Components of Teacher-Student based on Upstream Documents of Farhangian University. *Ethics in Science and Technology*, 2021; 15 (4): 86-95[In Persian].
- Heidarizadeh, N., Esmaili, Z., Farajollahi, M., & Safaei, T. (2020), Evaluation of the dimensions and components of moral education in the formal and general education system of Iran's elementary school, *Journal of Education in Law Enforcement Sciences*, 8(28)): 177-201[In Persian].
- Jainz, A. (2017), The Re-emergence of Character Education in American Education Policy. *American Journal of Educational Studies*, 53(14): 239-254.
- Lapsley, D., LaPorte, E., & Kelley, K. (2023), Moral cognition in adolescence and emerging adulthood. In L. J. Crockett, G. Carlo, & J. E. Schulenberg (Eds.), *APA handbook of adolescent and young adult development* (pp. 123–138). *American Psychological Association*.
- Meindl, P., Quirk, A., Graham, J. (2018), Best Practices for School-Based Moral Education. *Policy Insights from the Behavioral and Brain Sciences*. 2018;5(1):3-10.
- Nikhoomanesh, A., Izadi, M., Rafiei Shamsabadi, H., & Vakili, N. (2021), An Explanation of Moral Training of Children in the Second Seven-Years phase on the Basis of Islamic Teachings. *Scientific Journal of Islamic Education*, 29(50), 279-299. [In Persian].

- Pirbhai-Jetha, N., & Ramsamy, S. (2023), Cultivating” Social Skills and Competence Through Digital Drama: A Case Study at Université des Mascareignes (Mauritius). In Proceedings of the 6th International Conference on Advance Computing and Intelligent Engineering (pp. 521-531). *Springer, Singapore*.
- Raam, S., Mehrmohammadi, M., Sadeghzadeh Ghamsari, A.R., & Talae, E. (2018). The Logic and Content of a Curriculum for Teaching the Value of Self-Control. *Journal of education*, 34(1 (133)), 53-73.
- Rashidi, A., Rahmati, M. H., Khanifar, H., & Nadri, N. (2022), Develop a Model for the Participation of Institutions and Institutions with the Formal and Public Education System (A Meta-Synthesis Study), *Educational and Scholastic studies*, 11(1), 403-423. [In Persian].
- Rezaei, M. (2020), Investigation and analysis of the principles governing the planning of moral education with an emphasis on the teaching-learning process, *7th Scientific Research Conference on the Development and Promotion of Educational Sciences and Psychology in Iran*: 25-1[In Persian].
- Ringer, M. (2006), *Education, Religion and Discourse for Cultural Revolution in the Qajar period*, translate by haghightkhah. Tehran, Phoenix Publishing House
- Schnellert, L., Davidson, S. F., & Donovan, B. L, (2022), Working towards relational accountability in education change networks through local indigenous ways of knowing and being. *Cogent Education*, 9(1), 2098614.
- Shamly, A., Maleki, H., & Kazemi, H. (2011), A curriculum is a tool for achieving moral education. *Islam and Educational Research*, 2 (3): 77-98
- Tan, B., Naidu, C., & Jamil, A. (2017), Moral values and good citizens in a multi-ethnic society: A content analysis of moral education textbooks in Malaysia. *The Journal of Social Studies Research*, 22(81): 41-55.

Extended Abstract

Applied Model of Ethics in the Formal and Public Education System (Study Case: Golestan Province's Secondary Education Course)

Saied Saiedi¹, Negin Jabari², Kambiz Ismail Nia³*

Introduction: Ethics is one of the basic competencies in the "Table of Detailed Objectives,". It is one of the core competencies of the principles governing the curricula of the education system, with special emphasis placed on educating students with these two characteristics. The importance of training ethics-oriented forces should be sought in different fields in the educational environment, including improving relationships among students, improving the quality of education, and increasing positive behaviors in the educational environment. These are issues that can be implemented through the application of a system of moral education in a practical way in the school environment. It seems that the most important feature of the field of moral education in the public formal education system is the characteristic of avoiding planning. Therefore, to fill this research gap and reduce this negative characteristic in the curriculum of moral education, the present study can play an important role in the development and promotion of the curriculum of moral education, especially in the secondary education system of Golestan province.

Objectives: The goal of the present study is to present an applied model of ethics in the formal and public education system.

Method: In the current study, a qualitative approach was used employing the grounded theory method to present and validate the applied model of ethics in the formal and general education system in Golestan province. The in-depth text interview method was used to collect data. Interviews were conducted with teachers and managers of education and schools in Golestan province, the output of which was to collect qualitative data to analyze information and identify and validate the applied model of ethics in the educational system. Based on this, a semi-structured interview was conducted with 13 managers. The research population in the quantitative part included the students of the first secondary school in Golestan province, and based on the Cochran formula, the sample size was estimated to be 383 people. Qualitative data analysis of the study was done through thematic analysis in MAXQDA software. In this plan, the steps of

¹ Ph.D. Student of Educational Management Department, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

² Associate Professor, Department of Educational Management, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

³ Assistant Professor, Educational Management Department, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

* Corresponding Author: njaba@gorganiau.ac.ir

qualitative data analysis have been done through open identification and axial identification. Considering that in this study, the main dimensions and related components were identified, in the open identification stage, the concepts were identified and expanded according to their characteristics. In the quantitative part, according to the research questions, descriptive and inferential statistics methods were used. In the inferential method, Kolmogorov-Smirnov tests, SPSSv software, confirmatory factor analysis, and average variance from Smart- PLS were used. In the partial least squares technique, F2 effect size index, R2 determination coefficient, Q2 index, and GOF statistic were usually used.

Findings: The results of this study showed that in relation to the themes of the applied ethics-oriented model, there are a total of 397 themes in 7 domains, including the cognitive domain, the emotional domain, the skill and management domain, the planning and knowledge domain, the thinking and ability domain, the individual and personality domain, and the domain of attitude and religious beliefs. In the quantitative part (questionnaire), according to the predetermined components based on scientific theories, only eight components were confirmed: respect for others, striving for excellence and competition, seeking respect for social values and norms, social compatibility, personal compatibility, moral courage, honesty, and justice. In connection with Golestan province's actions, various things such as planning, setting goals, achieving ethics, education methods, enjoining what is good and forbidding what is bad, creating motivation, interactions, and responsibility have been introduced to apply ethical issues and components. Each of these includes the concepts that are described separately in the column related to the concepts. Also, the results showed that the independent components examined in the questionnaire have a significant relationship with the variable of the applied ethics model (dependent). This means that by improving the above components in the organization, the implementation rate of the applied ethics model will increase and improve.

Results: The self-acceptance component was the strongest predictor of social components and beliefs and ethics; therefore, those who are more social, have stronger religious beliefs, and are more moral, have more acceptance towards their personality and have higher practical ethics. Also, the component of mastery of applied ethics is the strongest predictor of devotional, family, thinking, science, and financial components. In other words, paying attention to religious and financial actions based on lifestyle and having a supportive family, and paying attention to the issue of thinking and science and valuing it by teachers, increases their mastery over their surroundings and ultimately leads to more practical ethics in them. Religious beliefs as the axis of lifestyle have a positive role in practical ethics. In a general pattern, it can be stated that religious beliefs and practices of individuals as well as their families play an important and effective role in the well-being of their practical ethics, especially for people who have a sensitive, boring, and stressful job, and this issue can have a significant effect on reducing their practical ethics.

Keywords: Ethics, Education, Ethics-Based Model, Formal and General Education, Secondary School, Golestan Province